



گاهنامه علمی - فرهنگی آفاق / پردیس دکتر شریعتی ساری / سال اول، شماره اول، اسفند ۱۴۰۳

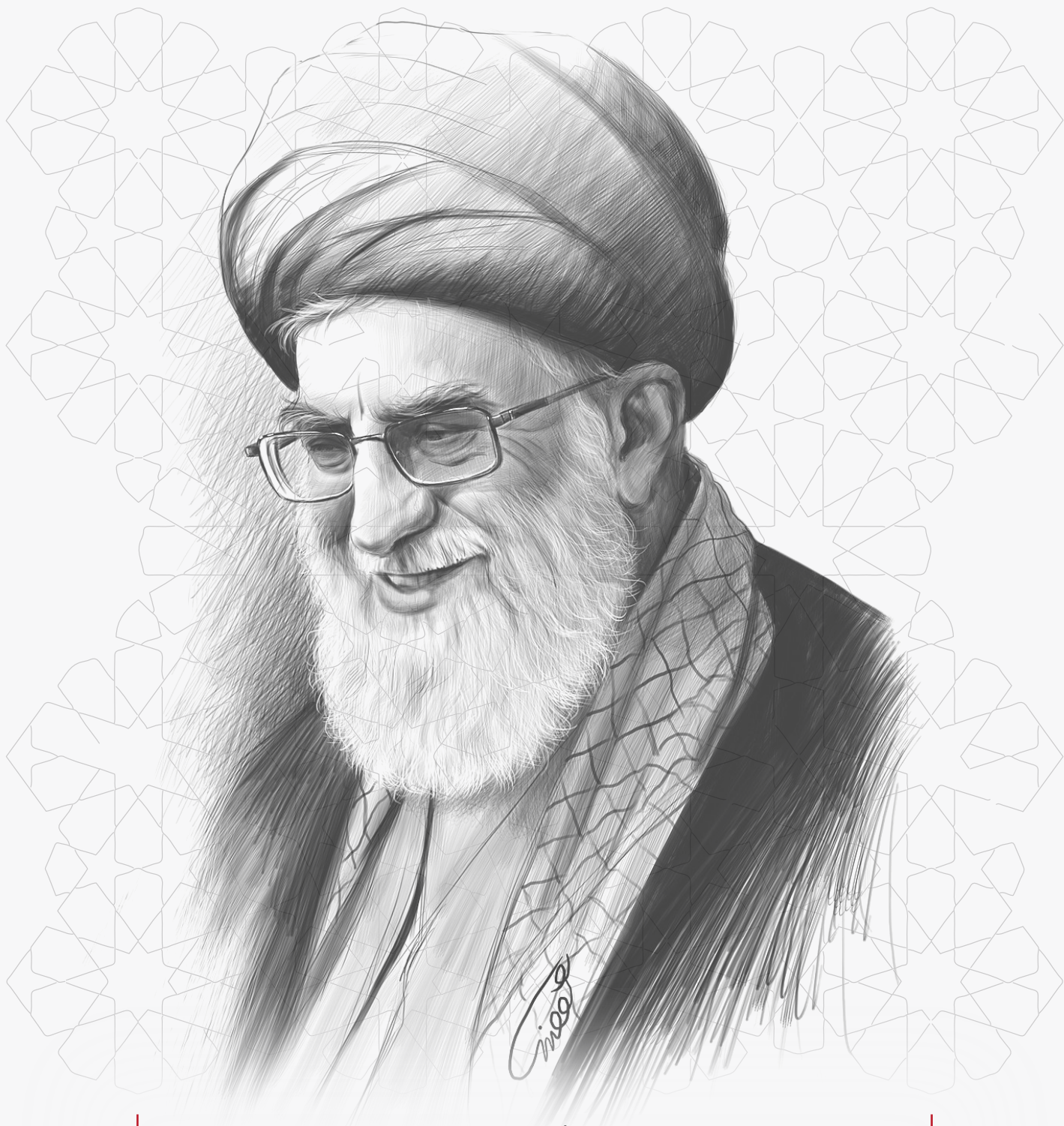


کودکان در عصر دیجیتال؛
تربیت در میان فرصت‌ها و چالش‌ها

ویژگی‌های معلم مهدوی چیست؟

دست‌های کوچک،
ذهن‌های بزرگ

آموزش و پرورش؛
کلید توسعه اقتصادی پایدار



معلمان عزیز؛ مخاطبین شما در بهترین سن تأثیرپذیری و تربیت‌پذیری هستند؛ مخاطبین شما کسانی هستند که آنچه را شما یادشان می‌دهید تا آخر عمر فراموش نمی‌کنند؛ این خیلی مهم است. ما مرتباً معلومات یاد می‌گیریم، به حسب اختلاف سن و اختلاف حافظه‌ی افراد، از این طرف یاد می‌گیریم، از آن طرف فراموش می‌کنیم، اما آنچه را در کودکی یاد گرفته‌ایم، فراموش نمی‌کنیم؛ معمولاً تا آخر عمر فراموش نمی‌کنیم. مثل معروف عربی است که «أَلْعَلِمَ فِي الصَّغَرِ كَالنَّقْشِ فِي الْحَجَرِ» یا «كَالتَّقْرِ فِي الْحَجَرِ»؛ مثل این است که شما روی سنگ یک چیزی را نقش کنید و نقر کنید، یعنی آنجا بشکافید روی سنگ را و به اصطلاح کار کنید روی سنگ و بنویسید؛ این محوشدنی نیست و همیشه هست؛ مخاطب شما این طور است.

حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای



دانشگاه فرهنگیان
پردیس دکتر شریعتی ساری

سخن مدیرمسئول	
سید عرشیا باقری سلیمی/.....	صفحه ۲
از کلاس تا آینده	
مجسن جلالی/.....	صفحه ۳
ویژگی‌های معلم مهدوی چیست؟	
امیررضا فضلی/.....	صفحه ۴
کودکان در عصر دیجیتال؛ تربیت در میان فرصت‌ها و چالش‌ها	
حسام الدین صدرآرا/.....	صفحه ۶
قصه‌گویی؛ ابزاری مؤثر در تربیت اجتماعی و اخلاقی کودکان	
امیر سیدی آبندانشی/.....	صفحه ۸
دست‌های کوچک، ذهن‌های بزرگ	
علیرضا باغبانی/.....	صفحه ۱۰
آموزش و پرورش؛ کلید توسعه اقتصادی پایدار	
سید عرشیا باقری سلیمی/.....	صفحه ۱۴
اخلاق حرفه‌ای معلمی	
علی موسی‌زاده/.....	صفحه ۱۶
معرفی کتاب	
علیرضا باغبانی/.....	صفحه ۱۸
معلم خلاق: آفریننده دنیایی از ایده‌ها	
امیرحسین دودی/.....	صفحه ۲۰

گاهنامه علمی - فرهنگی آفاق
پردیس دکتر شریعتی ساری
سال اول، شماره اول، اسفند ۱۴۰۳
شماره مجوز: ۵۲۸۰۰/۱۰۰۲/۱۰۰
قیمت: رایگان

صاحب امتیاز و مدیرمسئول:

سید عرشیا باقری سلیمی

سرمدیر:

امیرحسین دودی

مدیر داخلی:

حسام‌الدین صدرآرا

مدیر اجرایی:

علیرضا باغبانی

نویسندگان:

حسام الدین صدرآرا، امیر سیدی آبندانشی،
امیررضا فضلی ابوخیلی، علیرضا باغبانی،
سید عرشیا باقری سلیمی، امیرحسین دودی،
محسن جلالی، علی موسی‌زاده

استاد مشاور:

دکتر امیرپوراحمدعلی

ویراستاران:

سید عرشیا باقری سلیمی، حسام الدین صدرآرا

ناظر ویراستاران:

دکتر سمانه جعفری

روابط عمومی:

محسن جلالی

طراح لوگو، طراح جلد و صفحه آرا:

مهدی اکبری

📞 📧 📱 | MahdiAkbari_gd

کانال ایتای نشریه آفاق
@afaghmag



سخن مدیر مسئول

بسم الله الرحمن الرحيم

سلام و درود به شما همراهان عزیز،

افتخار داریم که نخستین شماره نشریه علمی-فرهنگی آفاق را به همت دانشجویان گرانقدر و حمایت مسئولان ارجمند دانشگاه، تقدیم حضورتان نماییم. نشریه ما، فضایی است برای انعکاس اندیشه‌های تازه و نگاه‌های نو به دنیای آموزش و تربیت. ما بر این باوریم که آموزش تنها انتقال دانش نیست، بلکه شعله‌ای است که آینده را روشن می‌کند و انسان‌ها را به بهترین نسخه از خود تبدیل می‌سازد. هر شماره از نشریه آفاق، تلاشی است برای برداشتن گامی کوچک اما پُر معنا در مسیر ساختن جامعه‌ای آگاه‌تر و پویاتر. به قلم‌های روشن‌فکر، به ایده‌های نوآور و به همراهی شما ایمان داریم، چراکه این مسیر با هموار شدن قدم‌های شما زیباتر خواهد شد.

اما سخن امروز؛ در میان همه دردها و رنج‌های بشری، رنج مردم مظلوم فلسطین و محور مقاومت، زخمی عمیق بر وجدان انسانیت است. دهه‌هاست که این ملت ستم‌دیده، در برابر تجاوز و اشغالگری رژیم صهیونیستی ایستاده‌اند و جانانه از شرافت، ایمان و حق خود دفاع کرده‌اند. یاد و نام آنان همواره ما را به یاد بزرگ‌ترین حماسه‌های مقاومت در تاریخ جهان اسلام می‌اندازد. در این میان، الگویی جاودان چون حضرت زینب (سلام‌الله‌علیها) برای همه آزادگان جهان، نوری از امید و ایستادگی است. آنجا که در برابر دشمنان اهل بیت، با شجاعتی وصف‌ناپذیر و در اوج رنج و سختی اسارت ایستادند و فرمودند:

«مَا رَأَيْتُ إِلَّا جَمِيلًا»

"من جز زیبایی چیزی ندیدم."

این کلمات نه تنها نشان‌دهنده اوج ایمان و استقامت ایشان است، بلکه گواهی بر نگاهی ژرف و متعالی به حقیقت زندگی و رسالت مبارزه با ظلم می‌باشد. حضرت زینب (س)، در برابر ظلمی بی‌سابقه و جنایتی عظیم، نه تنها خم به ابرو نیاوردند، بلکه عظمت معنوی اهل‌بیت را به رخ تاریخ کشیدند. این پیام جاودانه‌ای است برای ما که در برابر هرگونه ظلم و فساد، با ایمانی استوار ایستادگی کنیم و زیبایی را در پایداری بر حق جست‌وجو نماییم.

ما، به‌عنوان معلمان آینده، وظیفه‌ای دوچندان بر دوش داریم. نه تنها باید به آموزش دانش و تربیت علمی دانش‌آموزان بپردازیم، بلکه روحیه ایستادگی، شجاعت و عدالت‌خواهی را نیز در آنان زنده نگه داریم. همان‌گونه که مردم فلسطین و محور مقاومت، در برابر همه جنایات و بی‌عدالتی‌ها، همچنان بر آرمان‌های خود استوار مانده‌اند، ما نیز باید به نسل‌های آینده بیاموزیم که هیچ چیز ارزشمندتر از ایستادگی بر حق و حفظ کرامت انسانی نیست.

نشریه آفاق، به‌عنوان یک رسانه دانشجویی، وظیفه خود می‌داند که علاوه بر گسترش آگاهی و تقویت فرهنگ پژوهش، به ارزش‌های انسانی و عدالت‌طلبی نیز بپردازد. این گام نخست، آغاز مسیری است که با همراهی و همفکری شما به تعالی خواهد رسید.

سید عرشیا باقری سلیمی

مدیر مسئول نشریه علمی-فرهنگی آفاق



مطالب را ساده و مرحله‌به‌مرحله بیان کنم.

چه عواملی شما را به سمت شغل معلمی سوق داد؟

علاقه شخصی به این حرفه و حمایت خانواده‌ام از عوامل اصلی انتخاب شغل معلمی بود. این علاقه و حمایت به من انگیزه داد تا با انرژی و تعهد بیشتری در این مسیر پیش بروم.

به نظر شما، مهم‌ترین ویژگی که یک معلم ابتدایی باید داشته باشد چیست؟

صبر، از مهم‌ترین ویژگی‌هایی است که یک معلم ابتدایی باید داشته باشد. رفتارهای کودکان در کلاس ممکن است گاهی برای معلم قابل درک نباشد اما با صبر و حوصله می‌توان این رفتارها را تحلیل کرد. بسیاری از این رفتارها، ریشه در شرایط اجتماعی و خانوادگی دانش‌آموزان دارد و باید با دقت و درایت به آن‌ها رسیدگی کرد.

در پایان چه توصیه‌ای به معلمان جدید دارید؟

به معلمان تازه‌کار توصیه می‌کنم که عاشق کارشان باشند. اگرچه این حرفه با سختی‌ها و چالش‌هایی همراه است، اما نتایج آن بسیار ارزشمند است. معلمان با افرادی سروکار دارند که آینده کشور را می‌سازند. اگر ما به‌عنوان معلم، وظایفمان را به خوبی انجام دهیم، می‌توانیم آینده‌ای روشن برای جامعه‌مان رقم بزنیم.

از کلاس تا آینده؛

گفت‌وگو با معلمی که رویاها را پرورش می‌دهد

انتخابم بسیار خوشحالم.

به نظر شما چه ارزش‌هایی باید به دانش آموزان آموزش داده شود؟

به نظرم اعتمادبه‌نفس و خودباوری از مهم‌ترین ارزش‌هایی هستند که باید در کودکان تقویت شوند. متأسفانه، شرایط زندگی برخی دانش‌آموزان باعث کاهش این ویژگی‌ها شده است. ما باید به آن‌ها کمک کنیم تا خودشان و توانایی‌هایشان را بشناسند. همچنین آموزش صداقت، احترام به والدین، معلمان و دیگران از دیگر ارزش‌هایی است که باید به آن‌ها توجه ویژه‌ای شود.

به عنوان یک معلم تازه‌کار، چه چالش‌هایی هنگام ورود به کلاس تجربه کردید؟

اولین چالش من برقراری ارتباط مؤثر با دانش‌آموزان بود. در زمان شروع تدریس، حدود ۲۲ یا ۲۳ سال سن داشتم و فهمیدن دنیای کودکان برایم دشوار بود. اما به مرور زمان، با تجربه‌اندوزی و تدریس در پایه اول ابتدایی طی پنج سال نخست کارم، یاد گرفتم که برای انتقال مفاهیم باید

محسن جلالی
دانشجوی کارشناسی رشته آموزش ابتدایی

لطفاً خودتان را معرفی کنید.

من مسعود آتش‌بار هستم، آموزگار پایه ششم ابتدایی در مدرسه شهید محمود علامه ساری. با ۱۶ سال تجربه در تدریس، همواره سعی کرده‌ام بهترین آموزش‌ها را برای رشد و پیشرفت دانش‌آموزانم ارائه دهم.

چه چیزی شما را به تدریس در مقطع ابتدایی جذب کرد؟

از دوران نوجوانی به شغل معلمی علاقه داشتم و همیشه دوست داشتم کنار بچه‌ها باشم؛ به ویژه با کودکانی که در سنین ابتدایی هستند. صداقت و معصومیت کودکان این سنین، انگیزه من را برای کار آموزشی و پرورشی در این مقطع بیشتر کرد. به همین دلیل، هنگام انتخاب رشته دانشگاه، تمام تلاشم را کردم تا در رشته آموزش ابتدایی پذیرفته شوم و امروز از



ویژگی‌های معلم مهدوی چیست؟

امیررضا فضلی

دانشجوی کارشناسی رشته آموزش ابتدایی



باور به ظهور منجی عالم بشریت، جوهره اندیشه مهدویت در اسلام، نه تنها مختص مذهب خاصی نیست، بلکه ریشه در یک باور فراگیر انسانی دارد. این عقیده، در قلب شیعیان و حتی بسیاری از پیروان دیگر ادیان الهی، به عنوان حقیقتی قطعی جای گرفته است.

او، امام زمان (عج)، خواهد آمد و آمدنش پایان ظلم و ستم و حرص و طمع حاکمان و آغاز عصر عدل و صداقت در جهان خواهد بود. اما حفظ و تقویت این باور، مستلزم شناخت عمیق امام زمان (عج) است؛ شناختی که اهمیت آن تا بدان جاست که رسول خدا (ص) فرمودند: «هرکس بمیرد در حالی که امام زمان خود را نشناسد، به مرگ جاهلی مرده»

است». این حدیث، ما را به تأملی عمیق فرامی‌خواند.

به راستی تا چه اندازه برای عصر ظهور آماده‌ایم؟ تا چه حد فرزندان و دانش‌آموزان خود را با امام زمانشان آشنا کرده‌ایم؟

معلمان، به عنوان ستون‌های اصلی نظام آموزش و پرورش، نقش بی‌بدیلی در دنیای امروز دارند؛ دنیایی که با تغییرات سریع اجتماعی و فرهنگی مواجه است. در این شرایط، معلمان کلید سازگاری با این تحولات هستند. یکی از مفاهیم کلیدی که می‌تواند معلمان را در راستای سبک زندگی ایرانی و اسلامی یاری دهد، مفهوم «معلم مهدوی» است.

معلم مهدوی، کسی است که آموزه‌های دینی و اخلاقی را در چارچوب مهدویت به دانش‌آموزان خود منتقل می‌کند و آنها را برای آینده‌ای روشن و آرمانی آماده می‌سازد.

معلم مهدوی، مظهر معرفت به امام زمان (عج) برای دانش‌آموزانش است و با کلام و کردار خود، این معرفت را در دل‌های آنان نهادینه می‌کند.

او نه تنها بر مبانی علمی تسلط کامل دارد، بلکه ارزش‌ها و اصول مهدویت را به عنوان راهنمای عملی زندگی روزمره به دانش‌آموزان آموزش می‌دهد. از آنجا که دانش‌آموزان از معلمان خود الگو می‌گیرند، معلم مهدوی خود نیز باید تجسمی از زندگی و آموزه‌های مهدوی باشد.

برای تربیت دانش‌آموزانی با شخصیت و زندگی مهدوی، معلم باید از ویژگی‌های بارز یک معلم مهدوی برخوردار باشد. از جمله مهم‌ترین این ویژگی‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

ایمان و تقوا: اساس شخصیت معلم مهدوی، ایمان راسخ به خداوند و اعتقاد عمیق به ولایت امام زمان (عج) است. این ایمان در تمام رفتارها و کردار او تجلی می‌یابد و الگویی عملی برای دانش‌آموزانش به شمار می‌رود. تقوای الهی او را در تمامی تصمیمات و اعمالش به سوی رضای خداوند هدایت می‌کند و از هرگونه رفتار یا گفتاری که شأن و جایگاه او را به عنوان الگو خدشه دار کند، جلوگیری می‌کند.

دانش و تخصص: معلم مهدوی بر دانش و تخصص خود در زمینه تدریس تسلط کامل دارد و با به‌روزرسانی مستمر اطلاعات، جدیدترین یافته‌ها را در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌دهد. او فراتر از انتقال صرف دانش، به پرورش مهارت‌های تفکر انتقادی، حل مسئله و یادگیری مستقل در دانش‌آموزان می‌پردازد.

عدالت و انصاف: معلم مهدوی در برخورد با دانش‌آموزان خود، عدالت و انصاف را سرلوحه کار خود قرار می‌دهد و به حقوق برابر همه دانش‌آموزان، صرف نظر از تفاوت‌های فردی و اجتماعی، احترام می‌گذارد. او با ایجاد فضایی عادلانه و برابر، زمینه شکوفایی استعدادها و همه دانش‌آموزان را فراهم می‌کند.





البته، کسب این ویژگی‌ها ساده نیست و نیازمند تقوایشگی، معنویت‌جویی و خودسازی است. همان‌طور که خداوند در سوره مائده می‌فرماید: «ای مؤمنان! از خودتان مراقبت کنید».

در نتیجه، معلمی با ویژگی‌های معلم مهدوی، تأثیری عمیق و ماندگار بر دانش‌آموزان خود می‌گذارد. او نسلی آگاه، مسئولیت‌پذیر، عدالت‌خواه و آرمان‌گرا تربیت می‌کند. این معلم، با الگو قرار دادن سیره و آموزه‌های دینی، به پرورش روح و جان دانش‌آموزان می‌پردازد و فضایی سرشار از امید، مهربانی و عدالت را برای شکوفایی استعدادها و آنها فراهم می‌آورد. او نه تنها دانش علمی را منتقل می‌کند بلکه الگویی عملی از زندگی مهدوی است و دانش‌آموزان را برای نقش‌آفرینی مؤثر در جامعه‌ای عادلانه و آرمانی آماده می‌سازد.

عمل به آموزه‌های دینی: معلم مهدوی، نه تنها آموزه‌های دینی را به دانش‌آموزان آموزش می‌دهد، بلکه خود نیز الگویی عملی از عمل به این آموزه‌هاست. رفتار و کردار او، موجب تقویت ایمان و تقوای دانش‌آموزان می‌شود. او با زندگی خود، معنای واقعی دین را به دانش‌آموزان نشان می‌دهد.

ارتباط مؤثر با خانواده: معلم مهدوی، با برقراری ارتباطی مؤثر و صمیمانه با خانواده‌های دانش‌آموزان، زمینه همکاری و مشارکت آنان را در امر تعلیم و تربیت فرزندانشان فراهم می‌کند. او با ایجاد یک همکاری سازنده بین مدرسه و خانواده، به تربیت همه‌جانبه دانش‌آموزان کمک می‌کند.

مهربانی و عطف: معلم مهدوی با مهربانی و عطف، فضایی صمیمی و دوستانه در کلاس درس ایجاد می‌کند و ارتباطی عمیق و معنوی با دانش‌آموزان برقرار می‌سازد. او به نیازهای عاطفی و روانی دانش‌آموزان توجه ویژه دارد و با صبر و شکیبایی، به مشکلات آنان رسیدگی می‌کند.

امید و آرمان‌گرایی: معلم مهدوی، با نگاهی امیدوارانه به آینده و ایمان راسخ به ظهور حضرت مهدی (عج)، دانش‌آموزان را به سوی آرمان‌های والای انسانی و اسلامی هدایت می‌کند و به آنان می‌آموزد که با تلاش و کوشش، می‌توانند در ساختن جامعه‌ای عادلانه و آرمانی نقش مؤثری ایفا کنند.





کودکان در عصر دیجیتال؛ تربیت در میان فرصت‌ها و چالش‌ها

حسام الدین صدرآرا

دانشجوی کارشناسی رشته آموزش ابتدایی

تحولات عصر دیجیتال، زندگی بشر را در بسیاری از ابعاد دگرگون کرده است. فناوری‌هایی که زمانی تنها در دسترس قشر محدودی از جامعه بودند، اکنون به بخش جدایی‌ناپذیری از زندگی روزمره تبدیل شده‌اند. در این میان، کودکان بیش از هر نسل دیگری در اجتماعی سنتی اوقات می‌گذرانند اما کودکان نسل دیجیتال در دنیایی متولد می‌شوند که تلفن‌های هوشمند، تبلت‌ها، بازی‌های ویدئویی و شبکه‌های اجتماعی نه تنها وسیله تفریح، بلکه ابزار اصلی یادگیری و تعامل آن‌ها محسوب می‌شود.

این تغییرات به‌ظاهر جذاب، فرصت‌هایی بی‌نظیر برای کودکان فراهم کرده است. اینترنت و ابزارهای دیجیتال به کودکان این امکان را می‌دهند که به سرعت به اطلاعات دسترسی پیدا کنند، مهارت‌های جدید بیاموزند و دنیای ناشناخته‌ها را کشف کنند. با این حال، هر فرصت با چالشی همراه است. دسترسی بی‌حد و حصر به فناوری، سوالات مهمی را درباره تأثیرات آن بر رشد شناختی، عاطفی و اجتماعی کودکان مطرح می‌کند. آیا کودکان می‌توانند در این محیط فناوری‌محور، مهارت‌های اجتماعی و تفکر انتقادی خود را توسعه دهند؟ آیا می‌توان از پیامدهای منفی استفاده نادرست از فناوری مانند کاهش تمرکز، اعتیاد دیجیتال یا مواجهه با محتوای نامناسب جلوگیری کرد؟ تربیت کودکان در عصر دیجیتال، نه تنها برای والدین و معلمان، بلکه برای کل جامعه

چالش‌ها و فرصت‌های تربیت کودکان

در عصر دیجیتال

ورود کودکان به دنیای دیجیتال با تغییرات اساسی در شیوه زندگی آن‌ها همراه بوده است. این تغییرات، چالش‌ها و فرصت‌های متعددی را برای تربیت آن‌ها به وجود آورده که درک و مدیریت آن‌ها برای والدین و مربیان بسیار حیاتی است. یکی از چالش‌های بزرگ، مواجهه مداوم کودکان با حجم وسیعی از اطلاعات است. اینترنت و فناوری‌های دیجیتال، دریچه‌ای به دنیایی از داده‌ها و مفاهیم باز کرده‌اند که در گذشته دسترسی به آن‌ها بسیار محدود بود. این وضعیت، اگرچه فرصت‌های یادگیری فوق العاده‌ای فراهم می‌کند، اما ممکن است باعث بمباران اطلاعاتی و کاهش تمرکز کودکان شود. آن‌ها اغلب نمی‌توانند میان اطلاعات مفید و غیرمفید تمایز قائل شوند و این مسئله می‌تواند رشد شناختی و روانی آن‌ها را تحت تأثیر قرار دهد.

یکی دیگر از چالش‌های برجسته، وابستگی کودکان به ابزارهای دیجیتال است. ابزارهایی که ابتدا به عنوان وسیله‌ای برای سرگرمی یا یادگیری معرفی شدند، به تدریج جای تعاملات اجتماعی و فعالیت‌های بدنی کودکان را گرفته‌اند. زمان طولانی استفاده از این ابزارها، نه تنها به سلامت جسمانی آن‌ها مانند بینایی و رشد بدنی آسیب می‌زند، بلکه می‌تواند منجر به انزوا و کاهش مهارت‌های ارتباطی شود. کودکان نسل دیجیتال، به جای بازی‌های گروهی و تعامل چهره‌به‌چهره، بیشتر



کنند، کودکان نیز این رفتارها را تقلید خواهند کرد. ارائه الگوهای رفتاری مناسب، تأثیر زیادی در تربیت دیجیتال کودکان خواهد داشت.

تربیت کودکان در عصر دیجیتال، چالشی پیچیده و چندوجهی است که نیازمند آگاهی، صبوری و بهره‌گیری از دانش روز است. فناوری‌های دیجیتال، فرصت‌های بی‌سابقه‌ای را برای یادگیری، خلاقیت و توسعه مهارت‌های فردی و اجتماعی کودکان فراهم کرده‌اند، اما در صورت عدم مدیریت صحیح، می‌توانند منجر به آسیب‌های جدی در حوزه‌های شناختی، روانی و اجتماعی شوند. والدین، معلمان و سیاست‌گذاران باید با بهره‌گیری از ابزارهای آموزشی، نظارتی و تربیتی مناسب، از مزایای این فناوری‌ها بهره‌مند شوند و چالش‌های آن را به حداقل برسانند. علاوه بر این، بهره‌گیری از راهنمایی‌های دینی و فرهنگی بومی مانند تأکید بر اعتدال، احترام به خانواده و مسئولیت‌پذیری، می‌تواند در تربیت کودکان در دنیای دیجیتال نقش مؤثری داشته باشد. در نهایت، چالش‌های عصر دیجیتال فرصتی را فراهم می‌کنند که بتوانیم با بازنگری در روش‌های تربیتی، نسل جدیدی از کودکان توانمند و آگاه پرورش دهیم؛ کودکانی که نه تنها مهارت‌های لازم برای موفقیت در دنیای مدرن را دارند، بلکه ارزش‌های انسانی و اجتماعی را نیز در خود حفظ کرده‌اند.

راهکارهای تربیت کودکان در عصر دیجیتال

با وجود چالش‌های پیچیده‌ای که فناوری‌های دیجیتال برای تربیت کودکان به همراه آورده است، راهکارهای متعددی وجود دارد که می‌تواند والدین و معلمان را در این مسیر یاری کند. تربیت مؤثر در این عصر مستلزم رویکردی متعادل است که در آن از فرصت‌های فناوری به درستی استفاده شود و در عین حال اثرات منفی آن کاهش یابد. • ایجاد تعادل در استفاده از فناوری:

والدین باید الگوهای زمانی مشخصی برای استفاده از دستگاه‌های دیجیتال تعیین کنند. این زمان‌بندی باید به گونه‌ای باشد که ضمن استفاده از مزایای فناوری، فعالیت‌های دیگری مانند بازی‌های فیزیکی، مطالعه و تعاملات اجتماعی نیز در برنامه روزانه کودک جای بگیرد. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که محدود کردن زمان استفاده از فناوری می‌تواند به افزایش تمرکز و بهبود کیفیت خواب کودکان کمک کند.

• آموزش سواد دیجیتال به کودکان: در دنیای امروز، کودکان باید یاد بگیرند که چگونه محتوای آنلاین را تحلیل کنند و میان اطلاعات معتبر و نامعتبر تمایز قائل شوند. این آموزش می‌تواند شامل مهارت‌های جست‌وجوی ایمن، شناسایی منابع معتبر و مقابله با خطرات فضای مجازی مانند اخبار جعلی یا تبلیغات گمراه‌کننده باشد. برنامه‌های سواد دیجیتال در مدارس می‌توانند نقش مهمی در ارتقای این مهارت‌ها ایفا کنند.

• نظارت والدین بر محتوای مصرفی کودکان: والدین باید با استفاده از ابزارهای کنترل والدین، دسترسی کودک به محتوای نامناسب را محدود کنند و همزمان درباره اهمیت اخلاق دیجیتال و پیامدهای رفتاری نادرست در فضای آنلاین با کودکان صحبت کنند. این نظارت نباید به صورت محدودکننده و بدون تعامل باشد، بلکه بهتر است با گفت‌وگو و آموزش همراه باشد تا کودک به درکی درست از محیط دیجیتال برسد.

• ترویج فعالیت‌های خلاقانه دیجیتال نیز می‌تواند به بهره‌برداری مثبت از فناوری کمک کند. والدین و معلمان می‌توانند کودکان را تشویق کنند که از ابزارهای دیجیتال برای یادگیری مهارت‌های جدید مانند برنامه‌نویسی، طراحی گرافیکی یا ساخت ویدئوهای آموزشی استفاده کنند. این فعالیت‌ها نه تنها به افزایش خلاقیت کمک می‌کنند، بلکه مهارت‌های مفیدی برای آینده کودکان فراهم می‌آورند.

• الگوهای رفتاری مثبت: اگر والدین زمان زیادی را در مقابل صفحه نمایش سپری کنند یا به صورت افراطی از فناوری استفاده

زمان خود را در محیط‌های مجازی می‌گذرانند، جایی که روابط انسانی اغلب به تعاملات سطحی محدود می‌شود. از سوی دیگر، اینترنت فضایی است که به راحتی می‌تواند کودکان را در معرض محتوای نامناسب قرار دهد. این محتوا ممکن است شامل اطلاعات نادرست، تصاویر خشن یا حتی تبلیغات مخرب باشد. عدم توانایی کودکان در تفکیک میان محتوای مناسب و نامناسب، چالشی جدی برای والدین ایجاد کرده است. والدین و مربیان برای محافظت از کودکان در این محیط باید نظارت دقیقی اعمال کنند و به آن‌ها بیاموزند که چگونه محتوای دیجیتال را به طور انتقادی ارزیابی کنند. با این حال، فناوری دیجیتال تنها به چالش‌ها محدود نمی‌شود.

این ابزارها فرصت‌های بی‌سابقه‌ای نیز فراهم آورده‌اند. دسترسی به منابع آموزشی متنوع، یکی از بزرگ‌ترین مزایای فناوری است. کودکانی که در گذشته برای یافتن یک کتاب یا مقاله باید زمان زیادی را صرف می‌کردند، اکنون می‌توانند با یک کلیک به انبوهی از اطلاعات دست یابند. این امکانات، یادگیری را برای کودکان آسان‌تر و لذت‌بخش‌تر کرده است و فرصت‌هایی برای گسترش دانش آن‌ها در زمینه‌های مختلف فراهم می‌کند. علاوه بر این، ابزارهای دیجیتال می‌توانند مهارت‌های خلاقانه کودکان را تقویت کنند. از ساخت ویدئوهای آموزشی گرفته تا برنامه‌نویسی و طراحی گرافیکی، فناوری امکانات جدیدی برای ابراز خلاقیت به کودکان ارائه داده است. این فرصت‌ها، آن‌ها را نه تنها برای زندگی امروز، بلکه برای آینده‌ای که در آن فناوری نقش بیشتری ایفا خواهد کرد آماده می‌کند. در نهایت، فناوری همچنین می‌تواند ارتباطات اجتماعی کودکان را فراتر از محدودیت‌های جغرافیایی گسترش دهد. شبکه‌های اجتماعی، اگرچه با چالش‌هایی مانند فشار همسالان همراه هستند، اما امکان برقراری ارتباط با افراد مختلف از فرهنگ‌ها و کشورهای گوناگون را فراهم کرده‌اند. این تعاملات، در صورت مدیریت صحیح می‌توانند به تقویت توانایی‌های اجتماعی و ایجاد دیدگاه‌های جدید کمک کنند.

در نتیجه، دنیای دیجیتال مانند یک شمشیر دولبه است که می‌تواند هم سازنده و هم مخرب باشد. نحوه برخورد کودکان با این ابزارها، به میزان زیادی به هدایت والدین، مربیان و سیاست‌گذاران بستگی دارد. با مدیریت درست و ارائه آموزش‌های لازم، می‌توان از فرصت‌های فناوری بهره‌مند شد و چالش‌های آن را کاهش داد.



قصه‌گویی؛ ابزاری مؤثر در تربیت اجتماعی و اخلاقی کودکان

امیر سیدی آبنانکشی

دانشجوی کارشناسی رشته آموزش ابتدایی



منتقل کنند.

تأثیرات چندگانه قصه‌گویی بر تربیت

کودکان

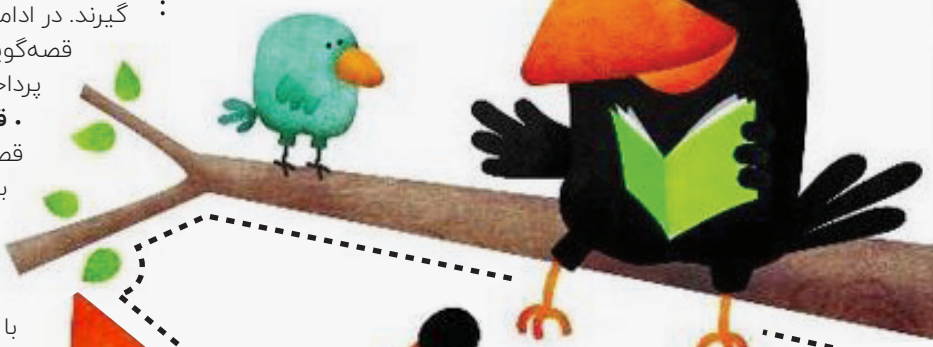
قصه‌گویی نه تنها به‌عنوان یک فعالیت سرگرم‌کننده شناخته می‌شود، بلکه نقش بسیار مهمی در تربیت دینی و اخلاقی کودکان ایفا می‌کند. این روش آموزشی توانایی ایجاد ارتباط‌های عمیق و ماندگار با کودکان را دارد و می‌تواند ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی و دینی را به‌شکلی جذاب و مؤثر منتقل کند. قصه‌گویی به کودکان کمک می‌کند تا از طریق داستان‌ها به مفاهیم پیچیده و عمیق اخلاقی و دینی دست پیدا کنند و این مفاهیم را به‌صورت غیرمستقیم در زندگی روزمره خود به‌کار گیرند. در ادامه به بررسی تأثیرات چندگانه قصه‌گویی بر تربیت دینی کودکان پرداخته می‌شود:

۱. قصه و جامعه‌پذیری کودکان

قصه‌ها به‌عنوان ابزاری مؤثر برای انتقال ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی و دینی، نقش مهمی در جامعه‌پذیری کودکان ایفا می‌کنند. با گوش دادن به قصه‌هایی که ارزش‌های اخلاقی و دینی را به تصویر می‌کشند، کودکان به صورت غیرمستقیم با این مفاهیم آشنا می‌شوند و درک

قصه‌گویی از دیرباز یکی از ابزارهای مهم در آموزش و تربیت کودکان بوده است. این روش نه تنها به تقویت تخیل و خلاقیت کودکان کمک می‌کند، بلکه به‌عنوان یک ابزار قدرتمند برای انتقال ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی و دینی نیز عمل می‌کند. قصه‌ها می‌توانند مفاهیم پیچیده و آموزه‌های دینی را به زبانی ساده و قابل فهم برای کودکان ارائه دهند و آن‌ها را به‌صورت غیرمستقیم با این مفاهیم آشنا کنند. این ویژگی، قصه‌گویی را به یکی از مؤثرترین روش‌های آموزش و تربیت دینی کودکان تبدیل کرده است.

در دنیای امروز، با توجه به تغییرات سریع اجتماعی و فرهنگی، نیاز به ابزارهای مؤثر برای انتقال ارزش‌ها و آموزه‌های دینی بیش از پیش احساس می‌شود. قصه‌گویی، با ایجاد جذابیت و فضای دلنشین، می‌تواند نقش مهمی در این زمینه ایفا کند. قصه‌ها می‌توانند از طریق ایجاد ارتباط و ماندگارتر با کودکان، ارزش‌ها و اخلاقی و دینی را به‌طور مؤثرتری





مواجهه است، تأثیری غیرمستقیم و عمیق ایجاد کرد. قصه‌ها با نمایش ارزش‌های دینی و اخلاقی به‌صورت جذاب و ملموس، می‌توانند کودکان را به پذیرش و اجرای این ارزش‌ها ترغیب کنند. در این صورت، قصه‌گویی نه تنها ابزاری آموزشی، بلکه وسیله‌ای برای تقویت و گسترش ارزش‌های مثبت در جامعه خواهد بود.

قصه‌گویی نه تنها یک ابزار سرگرمی است، بلکه یکی از موثرترین روش‌های آموزش و تربیت کودکان به شمار می‌رود. این روش با ایجاد جذابیت و فضاهای دلنشین، به کودکان کمک می‌کند تا مفاهیم پیچیده دینی و اخلاقی را به زبانی ساده و قابل فهم درک کنند و آن‌ها را به عنوان بخشی از هویت خود بپذیرند. از جامعه‌پذیری و انتقال ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی تا ایجاد جذابیت و ترسیم آینده‌ای روشن، قصه‌ها نقش بی‌بدیلی در آموزش و تربیت کودکان ایفا می‌کنند. از طریق قصه‌ها، معلمان و مبلغان دینی می‌توانند آموزه‌های دینی را به شکلی جذاب و ماندگار به کودکان منتقل کنند و آن‌ها را به تفکر عمیق و احساس ارتباط با این آموزه‌ها ترغیب کنند. قصه‌گویی می‌تواند به کودکان کمک کند تا ایده‌ها و افکار خود را به‌صورت منسجم‌تری دسته‌بندی کنند و در مسیر دستیابی به واقعیت‌های زندگی قدم بردارند. علاوه بر این، قصه‌ها می‌توانند به عنوان ابزاری برای انتقال آگاهی و دانش و همچنین ایجاد ارزش‌های مثبت در جامعه عمل کنند.

در نهایت، قصه‌گویی نه تنها یک ابزار آموزشی، بلکه وسیله‌ای برای تقویت و گسترش ارزش‌های مثبت در جامعه است. با استفاده آگاهانه از قصه‌ها، می‌توان نسلی آگاه‌تر، با ارزش‌های اخلاقی و دینی پایدارتر و جامعه‌ای متعادل‌تر و همبسته‌تر ساخت.

می‌شود که کودکان نه تنها آموزه‌ها را بفهمند بلکه آن‌ها را احساس کنند و به آن‌ها پایبند بمانند.

• نزدیک کردن کودکان به واقعیت‌ها از طریق قصه

قصه‌ها همچنین می‌توانند کودکان را به واقعیت‌های موجود نزدیک کنند و به آن‌ها کمک کنند تا بهتر با این واقعیت‌ها مواجه شوند. با استفاده از قصه‌ها، می‌توان ذهن کودکان را تقویت کرد تا بتوانند ایده‌ها و افکار خود را به‌صورت منسجم‌تری دسته‌بندی کنند و در مسیر دستیابی به واقعیت‌های زندگی قدم بردارند. این روش به کودکان کمک می‌کند تا درک بهتری از زمان حال داشته باشند و رفتارهای خود را به‌گونه‌ای تنظیم کنند که با واقعیت‌های پیرامونشان همخوانی داشته باشد.

• انتقال آگاهی و دانش از طریق قصه‌گویی

علاوه بر موارد مطرح شده، قصه‌گویی می‌تواند به عنوان ابزاری برای انتقال آگاهی و دانش به کودکان عمل کند. این روش به کودکان امکان می‌دهد که در یک محیط همکاری، دانش خود را با همدیگر به اشتراک بگذارند و از تجربیات یکدیگر بهره‌مند شوند. قصه‌ها می‌توانند مفاهیم پیچیده را به زبانی ساده و قابل فهم بیان کنند و به کودکان کمک کنند تا دانش و آگاهی خود را افزایش دهند.

• ایجاد و انتقال ارزش‌های مثبت

قصه‌ها می‌توانند حساسیت‌های جامعه را به سمت ایجاد ارزش‌های مثبت هدایت کنند. با استفاده از قصه، می‌توان در جامعه‌ای که با افول ارزش‌های اخلاقی

عمیق‌تری از آن‌ها پیدا می‌کنند. این روش غیرمستقیم آموزش، باعث می‌شود که این آموزه‌ها در ذهن و قلب کودکان باقی بمانند و به عنوان بخشی از هویت آن‌ها نهادینه شوند.

• جذابیت و تأثیرگذاری قصه

مطالبی که به‌صورت قصه بیان می‌شوند، عموماً جذابیت بیشتری برای کودکان دارند. قصه‌ها قادرند مفاهیم پیچیده و خشک دینی را به شکلی جذاب و ساده ارائه دهند که کودکان به‌راحتی آن‌ها را درک کنند و به یاد بسپارند. این ویژگی‌ها به معلمان و مبلغان دینی این امکان را می‌دهد که ارتباط بهتری با کودکان برقرار کرده و پیام‌های خود را به طور مؤثرتری منتقل نمایند.

• عبرت‌آموزی از طریق قصه

قصه‌ها با ایجاد یک فضای دلنشین و جذاب، آموزش‌های دینی را ماندگارتر می‌سازند و می‌توانند به عنوان ابزاری قدرتمند برای عبرت‌آموزی عمل کنند. با استفاده از داستان‌هایی که به واقعیت‌های جامعه مرتبط هستند، معلمان می‌توانند کودکان را به تفکر درباره هنجارهای اجتماعی و دینی تشویق کنند. این داستان‌ها به کودکان نشان می‌دهند که هر کنشی نتایج دارد و آن‌ها را به درک بهتر از پیامدهای اعمالشان هدایت می‌کنند که در نهایت به آن‌ها کمک می‌کند تا تصمیمات بهتری در زندگی بگیرند.

• ترسیم آینده‌ای روشن با قصه

قصه‌ها می‌توانند تصاویری از آینده ترسیم کرده، به کودکان کمک کنند تا رفتارهای خود را در راستای اهداف آینده‌شان تنظیم نمایند. با شنیدن داستان‌هایی که نتایج کنش‌های انسانی را به تصویر می‌کشند کودکان می‌توانند درک کنند که اعمال امروز آن‌ها چگونه آینده‌شان را شکل می‌دهد. این امر باعث می‌شود که آن‌ها برای مواجهه با چالش‌های آینده آماده شده و به سوی یک زندگی معنادار هدایت شوند.

• تلفیق تفکر و احساس در قصه‌گویی

قصه‌ها به‌طور هنرمندانه‌ای می‌توانند تفکر و احساس را در هم آمیزند که این ویژگی باعث دوجندان شدن تأثیر قصه‌ها بر کودکان می‌شود. با تحریک احساسات و تشویق کودکان به تفکر عمیق، قصه‌ها می‌توانند آموزه‌های دینی را به صورت مؤثرتری منتقل کنند. تلفیق تفکر و احساس از طریق قصه‌گویی باعث



دست‌های کوچک، ذهن‌های بزرگ

علیرضا باغبانی

دانشجوی کارشناسی رشته آموزش ابتدایی

تصور کنید کودکی در حال بستن دکمه‌های لباس خود است. او آن قدر دکمه‌ها را دستکاری می‌کند تا بالاخره موفق به بستن همه آن‌ها و پوشیدن لباس خود می‌شود. این کار ممکن است یک کار عادی و روزمره به شمار آید اما در واقع کودک در حال تقویت مهارت

دست‌ورزی خود است.

بستن بند کفش، نوشتن و نقاشی کردن، بریدن کاغذ با قیچی و حتی نگه داشتن قاشق، همگی استفاده از مهارت دست‌ورزی را نشان می‌دهند که به هماهنگی اعضای مختلف بدن بستگی دارد.

مهارت دست‌ورزی چیست؟

برای درک بهتر این مهارت، ابتدا بهتر است بدانیم دست‌ورزی چیست و به چه عناصری وابسته است. مهارت دست‌ورزی زیر مجموعه‌ای از مهارت‌های حرکتی ظریف است و به دستکاری اشیاء با کمک انگشتان،

مچ دست، عضلات دست و به طور کل دستان گفته می‌شود. پس مهارت دست‌ورزی به استفاده از دست با هدف انجام کاری گفته می‌شود و اعمالی که نیاز به دستان یا هماهنگی دستان دارند جزو این مهارت طبقه‌بندی می‌شوند. با این تعاریف، مهارت دست‌ورزی بخش اعظمی از فعالیت‌های کودکان را دربر می‌گیرد و دارای تاثیر بسزایی در رشد کودک در ابعاد مختلف است.

دست‌ورزی به برخی عناصر وابسته است؛ از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان هماهنگی را نام برد که



توسعه یافته‌تری از مهارت دست‌ورزی محسوب می‌شود.

چه عواملی بر دست‌ورزی کودکان تاثیرگذارند؟

عوامل متعددی در سطح مهارت دست‌ورزی کودکان موثرند. عوامل عصبی مانند اختلالات و مشکلات عصبی، عوامل محیطی و تمرین و مقدار رویارویی کودکان با موقعیت‌هایی که منجر به یادگیری و تقویت این مهارت‌ها می‌شود جزو عوامل تاثیرگذار بر دست‌ورزی کودکان محسوب می‌شود.

سن عامل مهم دیگری است که رابطه مستقیمی با سطح این مهارت و نمود آن در رفتار کودکان دارد. موضوعاتی مانند بلوغ عصبی و رشد عضلانی و همچنین تمرین کردن و تجربه، خود از عوامل وابسته به سن به شمار می‌آیند.

در ماه‌های اول تا ۲ سالگی نوزادان ابتدا شروع به گرفتن اشیاء می‌کنند. بعد از کسب توانایی در نگهداشتن اشیاء، انتقال اشیاء از یک دست به دست دیگر آغاز می‌شود. کودکان تا ۲ سالگی حمل اشیاء با کمک انگشت اشاره و شست یا به اصطلاح حمل انبری را

یاد می‌گیرند و می‌توانند کتاب را ورق بزنند. آنها تا پایان

این سن توانایی ساختن برج‌های کوچکی با مکعب‌ها را کسب می‌کنند. در ۲ تا ۴ سالگی کودکان توانایی به دست گرفتن مگدالری و قیچی را به آرامی یاد می‌گیرند و می‌توانند برج‌های بلندتری بسازند. از ۴ تا ۶ سالگی کودکان شروع به بستن

منظور از آن هماهنگی دست و انگشتان با چشم است. دقت و ظرافت یا همان توانایی انجام حرکات دقیق‌تر و کنترل شده برای فعالیت‌های حساس‌تر جزو عناصر دست‌ورزی به شمار می‌رود. از عناصر دیگر می‌توان به سرعت اشاره کرد که نماینده سطح



سوادآموزی و توانایی‌های شناختی دارند. کودکان با کشف دنیای اطراف از طریق دست‌ورزی رشد شناختی خود را تسریع می‌کنند و دایره شناختی خود را گسترش می‌دهند. به طوری که برخی مطالعات نشان می‌دهد مهارت‌های دست‌ورزی مانند چابکی و دقت در انجام کار، با استدلال‌های غیرکلامی و دانش عمومی ارتباط دارد.

مهارت دست‌ورزی: از بازی تا پیشرفت

به طور کل انجام کارهای روزمره مانند بستن بند کفش، نوشتن تکالیف یا نقاشی کشیدن که نیازمند به کاربردن مهارت دست‌ورزی است و توسعه و تمرین آنها به خودی خود می‌تواند باعث تقویت این مهارت شود. کودک با تمرین یا انجام مکرر فعالیت‌ها، علاوه بر این که مهارت خود را در آن فعالیت تقویت می‌نماید، به توسعه کلی دست‌ورزی خود کمک می‌کند.

برای تقویت مهارت دست‌ورزی کودکان به طور مستقیم و خاص می‌توان از بازی استفاده کرد. اهمیت بازی برای کودکان از کسی پوشیده نیست. بازی مهم‌ترین ابزار رشد کودکان است. بازی فعالیتی ضروری برای کودکان است و تمام جنبه‌های زندگی آنها را تحت تاثیر قرار می‌دهد. بازی وسیله ای قدرتمند برای رشد کودک در ابعاد شناختی، زبانی، عاطفی و اجتماعی شمرده می‌شود و با توسعه مهارت‌های اجرایی مانند تمرکز، باعث بهبود عملکرد مغز می‌شود. در بازی، کودکان مسائل مهمی را یاد می‌گیرند و

می‌شود. از جمله این چالش‌ها می‌توان به مشکلات در نوشتن (بدخطی)، کند نوشتن، خستگی زود هنگام عضلات دست موقع نوشتن و...)، عدم یا کمبود توانایی در انجام کارهای شخصی و روزمره و در پی آن کاهش استقلال و اعتماد به نفس، کند شدن فرایند رشد شناختی نسبت به همسالان، عدم پیشرفت یا پیشرفت کمتر در حوزه های هنر و تحصیل و مشکلاتی از این قبیل اشاره کرد. این که کودک بتواند کارهایش را خودش انجام دهد و زودتر به استقلال در انجام کارهای شخصی برسد، تاثیر چشمگیری در اعتماد به نفس او دارد که این امر تمایل به پیشرفت و یادگیری در کودک را افزایش داده، شخصیتی استوار از او می‌سازد. در مقابل عدم توانایی در انجام برخی کارهای مربوط به مهارت دست‌ورزی به کاهش عزت نفس می‌انجامد و جوانه اضطراب را در کودک رشد می‌دهد.

کودکانی که مهارت‌های دست‌ورزی خود را به صورت پیشرفته‌تر تقویت کرده‌اند، در فعالیت‌های آموزشی مدرسه به صورت فعال‌تری شرکت می‌کنند که این موضوع علاوه بر افزایش توجه به درس و فعالیت ها و سطح تحصیلی، سازگاری بیشتر با مدرسه را به همراه دارد. به طور کلی کودکانی که مهارت دست‌ورزی بیشتری دارند، در فعالیت‌های خواندن، نوشتن، ریاضیات و... مهارت بیشتری پیدا می‌کنند که این موضوع رابطه مستقیمی با موفقیت تحصیلی دارد. این مهارت و عناصر آن نقش مهمی در یادگیری مهارت‌های جدید،

دکمه‌های لباس خود می‌کنند و پازل‌های پیچیده‌تری را حل می‌کنند. همچنین کار با مدارنگی را بهتر انجام می‌دهند. مهارت‌های دست‌ورزی با افزایش سن تقویت شده و سطوح پیچیده‌تری از آنها توسط کودکان پیاده می‌شود.

چرا مهارت دست‌ورزی مهم است؟

دست‌ورزی در وهله اول مهارتی ضروری برای انجام کارهای روزمره به شمار می‌آید. همگی ما در طول روز برای انجام دادن کارها از دستان و انگشتانمان استفاده زیادی می‌کنیم. کودکان نیز از این قاعده مستثنی نیستند. نوشتن و نقاشی، تایپ کردن، پوشیدن لباس، غذا خوردن، رعایت بهداشت، بازی، برداشتن اشیاء و بی‌شمار فعالیت‌های ریز و درشت دیگر همگی به داشتن سطح مناسبی از این مهارت وابسته است. شاید این کارها به علت سادگی و تداوم و تکرار در انجام، کم اهمیت به نظر برسند اما در صورت عدم تقویت این مهارت در کودکی، یا تعویق یادگیری و استفاده کم از آن که می‌تواند ناشی از تمرین بسیار کم، ضعف عضلانی، اوتیسم، فلج مغزی و... باشد، زندگی فرد با چالش‌های قابل توجهی روبرو به رو





تجربه

می‌کنند. مهارت دست‌ورزی

نیز جزو مهارت‌هایی محسوب می‌شود که با تاثیر مستقیم بازی تقویت می‌یابند. با تدارک دیدن بازی‌ها و فعالیت‌های هدفمند و لذت‌بخش برای کودکان می‌توان به راحتی به توسعه این مهارت حیاتی پرداخت و همزمان لحظات نشاط آور و خوشایندی برای آن‌ها آفرید.

برای کودکان نوپا، باید بازی‌های ساده‌تری تدارک دید. برای مثال خمیربازی با رنگ‌های مختلف و ورز دادن آن‌ها، چیدن بلوک‌های اسباب‌بازی روی هم و ساختن برج‌های کوچک به آن‌ها کمک می‌کنند. می‌توان ظرفی از برنج یا هرچیز ریز دیگر تهیه کرد و شیء خاصی درون ظرف پنهان کرد و سپس از کودک خواست آن شیء را پیدا کند. همچنین علاوه بر اسباب‌بازی‌های معمولی یا مختص دست‌ورزی می‌توان بازی‌هایی با آب طراحی کرد. آب‌بازی معمولی، جابه‌جا کردن آب با قاشق یا اسفنج از ظرفی به ظرف دیگر، پرکردن لیوان و... از بازی‌های این دسته به شمار می‌آیند.

برای کودکان پیش‌دبستانی نیز می‌توان از همین بازی‌ها بعد از کمی تغییر و به طور پیشرفته‌تر استفاده کرد. خمیربازی و ساخت اشکال خاص با کمک یا بدون کمک قالب، نقاشی با انگشت، حل پازل‌های ساده، ساختن کاردستی با کاغذ و مقوا یا حتی با مواد طبیعی به توسعه مهارت دست‌ورزی آن‌ها کمک می‌کند. می‌توان در کارهای روزمره مانند چیدن غذا در ظرف از کودکان کمک گرفت و آن را برایشان به یک بازی تبدیل کرد.

می‌توان برای کودکان دبستانی سفالگری

یا ساختن

مجسمه و اشکال ساده با

گل رس تدارک دید. استفاده از کاردستی و مخصوصا اوریگami با کاغذ و مقوا می‌تواند موثر واقع شود. طبق تحقیقات، اوریگami یا تمرین تا کردن نقش موثری در هماهنگی چشم و دست دارد. همچنین به ورزیدگی انگشتان نیز کمک شایانی می‌کند. پختن غذاهای ساده با عنوان بازی، ساخت اشکال با لگو، انجام آزمایش‌های علمی، بازی‌های نوشتنی و حتی تایپ کردن، باعث تقویت مهارت دست‌ورزی این کودکان می‌شود.



نمونه‌هایی از بازی‌ها و فعالیت‌های

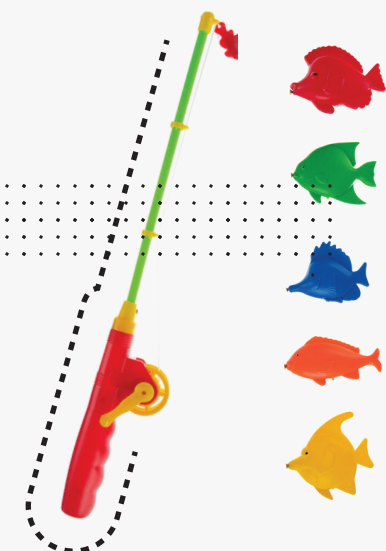
مناسب کلاس یا خانه

• بازی نقاشی با شن، ماسه و یا آرد رنگی

معلم یا والد آرد یا شن رنگی را روی یک صفحه پهن می‌کند و از دانش‌آموز می‌خواهد شکل، اعداد، عبارات و... را با انگشت روی شن یا آرد رسم کند. این فعالیت علاوه بر اینکه به تقویت مهارت دست‌ورزی می‌انجامد و هماهنگی دست و چشمان را تقویت کند، یک بازی لذت‌بخش برای آموزش و تمرین مباحث مختلف مانند حروف الفبا، اعداد، عملیات‌های ریاضی و... است.

• بازی ماهیگیری کلاسی

معلم یا والد، حوضچه کوچکی آماده می‌کند و ماهی‌هایی از جنس کاغذ یا پلاستیک که ترجیحا خود دانش‌آموزان ساخته‌اند را با گیره فلزی متصل به آنها درون حوضچه قرار می‌دهد. دانش‌آموزان با چوب و نخ (به عنوان وسیله ماهیگیری) و گیره مغناطیسی متصل به آن اقدام به ماهیگیری می‌کنند. همچنین می‌توان اعداد یا کلمه‌هایی از قبل روی ماهی‌ها نوشت تا دانش‌آموزان بعد از پرسش درسی معلم، اقدام به شکار ماهی خاصی کنند.





• بازی دست طلائی

دانش‌آموزان با انبرک یا پنس، اشیاء را از یک ظرف به ظرف دیگری انتقال می‌دهند. همچنین می‌توان محدودیت زمانی به این بازی اضافه کرد یا حتی با قراردادن اشیاء با رنگ‌های مختلف، یک رنگ یا رنگ‌های خاص را برای انتخاب دانش‌آموز تعیین کرد.

• بازی مسیر ماجراجویی

معلم یا والد با نوار رنگی مسیری روی زمین مشخص می‌کند. سپس منحنی و دایره‌ها و نقاطی برای توقف روی مسیر نشانه‌گذاری می‌کند. دانش‌آموزان در طول مسیر راه می‌روند و به وظایف مشخص شده در مسیر عمل می‌کنند. برای مثال توپ‌ها را با قاشق جمع می‌کنند، اشیاء را با توجه به رنگ تفکیک می‌کنند، به سوالات پاسخ می‌دهند و یا ده‌ها فعالیت قابل طراحی توسط معلم یا والد را انجام می‌دهند. به این بازی نیز می‌توان محدودیت زمانی اضافه کرد.

• مسابقه پیچ و مهره

معلم یا والد مجموعه‌ای از پیچ و مهره‌ها با اندازه‌های مختلف تهیه می‌کند. دانش‌آموزان به صورت گروهی یا انفرادی شروع به تطبیق و بستن پیچ و مهره‌ها می‌کنند یا باید در زمان مشخص تعداد بیشتری از پیچ و مهره‌ها را ببندند.

به بازی‌ها و فعالیت‌های زیادی می‌توان در این بخش اشاره کرد. برای مثال می‌توان از رول دستمال یا لوله‌هایی استفاده کرد و آنها را کنار هم قرار داد تا دانش‌آموزان با انگشت توپ‌های کوچک را به داخل هدایت کنند. یا توپ‌های کوچکی را با انگشت‌ها به هدف پرتاب کنند. می‌توان از دانش‌آموزان خواست از تکه‌های کارتن، سازه‌های سه بعدی بسازند یا با مواد بازیافتی مانند بطری، اشکال مختلفی طراحی کنند. معلم می‌تواند برای آموزش الگو، از نخ و مهره‌های رنگی استفاده کند و از دانش‌آموزان بخواهد با به نخ کشیدن مهره‌ها، الگوهای مختلفی خلق کنند. حتی می‌توان برای آموزش و بازی با استفاده از فناوری‌هایی مانند کامپیوتر، دانش‌آموزان را به جهت تقویت دست‌ورزی، وادار به استفاده بیشتر از ابزارهایی مانند موشواره (ماوس) و صفحه‌کلید (کیبورد) کرد.

کودکان از همان دوران ابتدایی زندگی خود به دنبال یادگیری و کشف دنیای اطراف خود هستند و برای این اکتشاف طولانی از تمام حواس خود استفاده می‌کنند. یکی از راه‌های کشف و یادگیری، استفاده از مهارت دست‌ورزی است. مهارت دست‌ورزی یک مهارت اساسی است که کودکان از سنین پایین به طور طبیعی در حال یادگیری و توسعه آن هستند. این بدان معنی است که کودکان با انجام کارهای روزمره مرتبط با دست‌ورزی، این مهارت را در خود تقویت می‌کنند. دست‌ورزی همچنین با مهارت‌ها و ویژگی‌های زیادی در کودکان، ارتباط دارد و در صورت توسعه، پیشرفت این مهارت‌ها و کسب ویژگی‌های مطلوب را به همراه دارد. بهترین راه تقویت دست‌ورزی طراحی بازی و فعالیت‌هایی است که مورد علاقه کودکان واقع شود. والدین، معلمان و مربیان می‌توانند با انتخاب بهترین‌ها از بین بازی‌های فراوان این دسته، تغییر و شخصی‌سازی بازی‌های موجود با توجه به نیاز و یا حتی طراحی بازی جدید با توجه به تشخیص خود از کودکان مخاطب، نقش حیاتی خود را در تقویت مهارت دست‌ورزی کودکان و به تبع، توسعه سایر حوزه‌های رشدی ایفا کنند. امید است با تقویت مهارت دست‌ورزی در فرزندانمان، آنها را در رسیدن به شخصیتی خلاق، استوار و توانمند یاری کنیم.





آموزش و پرورش؛ کلید توسعه اقتصادی پایدار

سید عرشیا باقری سلیمی

دانشجوی کارشناسی رشته آموزش ابتدایی



آموزش و پرورش به عنوان یکی از عوامل کلیدی در پیشرفت جوامع انسانی، نقشی اساسی در رشد و توسعه اقتصادی دارد. نظریه‌های اقتصادی نشان می‌دهند افزایش سرمایه انسانی که از طریق آموزش حاصل می‌شود تأثیر مستقیمی بر بهره‌وری نیروی کار و به تبع آن، رشد اقتصادی دارد. در اقتصاد مدرن، سرمایه انسانی به عنوان یک منبع

استراتژیک شناخته شده است و آموزش، عامل اصلی تقویت این سرمایه است. ارتباط میان کیفیت آموزش و رشد اقتصادی در نظریات اقتصادی به‌وضوح تبیین شده است. از سوی دیگر، کشورهای پیشرفته از طریق اصلاح نظام آموزشی و سرمایه‌گذاری در این حوزه، به موفقیت‌های قابل‌توجهی در اقتصاد دست یافته‌اند. ایران به عنوان کشوری با جمعیت جوان و تحصیل‌کرده، ظرفیت بالقوه‌ای برای بهره‌برداری از آموزش در جهت توسعه اقتصادی دارد. با این حال، مشکلاتی نظیر عدم تناسب بین آموزش و بازار کار، مهاجرت نخبگان و ضعف در سرمایه‌گذاری‌های آموزشی، مانع استفاده بهینه از این ظرفیت‌ها شده است.

نیروی کار و دانش دو عامل مهم در فرآیند تولید محسوب می‌شوند و ضعف در هر یک از این دو، سبب از دست رفتن کارایی بخش مولد و حقیقی اقتصاد می‌شود. آموزش و پرورش یکی از بخش‌های زیرساختی اقتصاد محسوب می‌شود که با تربیت و افزایش نیروی کار ماهر، شرایط را برای رشد و توسعه اقتصادی فراهم می‌کند. همچنین دانش که یکی از عوامل تولید است به عملکرد آموزش و پرورش بستگی دارد و با عدم کارایی این بخش از اقتصاد، امکان توسعه فناوری و دانش وجود نخواهد داشت. بسیاری از اقتصاددانان مانند هگل و شومپیتر معتقدند رشد دانش سبب تحولات اقتصادی و اجتماعی می‌شود و بهره‌وری سایر عوامل تولید نیز به آن بستگی دارد. هزینه‌ها و سرمایه‌گذاری بر روی آموزش و پرورش یکی از بهترین شیوه‌های سرمایه‌گذاری اجتماعی محسوب می‌شود زیرا سرمایه‌گذاری بر روی این بخش از هزینه‌های آتی اجتماعی و اقتصادی جلوگیری می‌کند و به دیدگاه بسیاری از اقتصاددانان، نوعی صرفه جویی در هزینه‌های اجتماعی محسوب می‌شود. تجارب بسیاری از کشورها اثبات کرده است که توسعه آموزش و پرورش باعث کاهش جرائم اجتماعی خواهد شد؛ بر این اساس برای دستیابی به جامعه‌ای سالم و مولد، کارآمدی آموزش و پرورش ضروری خواهد بود.

تأثیرات آموزش و دانش بر توسعه اقتصادی

آموزش و دانش یکی از مؤثرترین ابزارها برای توسعه اقتصادی پایدار هستند. با افزایش کیفیت و دسترسی به آموزش، نه تنها بهره‌وری نیروی کار ارتقا می‌یابد، بلکه نوآوری، کاهش نابرابری و بهبود شاخص‌های سلامت نیز تسهیل می‌شود.

• **افزایش بهره‌وری نیروی کار:** نیروی کاری که آموزش دیده باشد، توانایی بیشتری در استفاده از فناوری‌های جدید و اجرای فرایندهای کاری پیچیده دارد. این افراد می‌توانند مسائل را بهتر تحلیل کنند، روش‌های خلاقانه‌تری ارائه دهند و کارایی تولید را





ابزاری برای رقابت در سطح جهانی در اولویت قرار داد. این کشور با تمرکز بر رشته‌های علوم، فناوری، مهندسی و ریاضیات (STEM)، دانش‌آموزانی تربیت کرده که مهارت‌های تحلیلی و حل مسئله بالایی دارند. یکی از ویژگی‌های بارز نظام آموزشی سنگاپور، هدایت دانش‌آموزان به مسیرهای متناسب با استعداد و علاقه آن‌هاست. سنگاپور همچنین بر آموزش مادام‌العمر تأکید دارد. برنامه‌های ویژه‌ای برای ارتقای مهارت نیروی کار و به‌روزرسانی دانش حرفه ای آن‌ها طراحی شده است. سنگاپور نمونه ای از کشوری است که با سرمایه‌گذاری هوشمندانه در آموزش، به یکی از قطب‌های اقتصادی آسیا تبدیل شده است.

آموزش و پرورش به‌عنوان یکی از ارکان اساسی توسعه اقتصادی، نقشی محوری در ارتقای سرمایه انسانی، افزایش بهره‌وری نیروی کار و تقویت نوآوری ایفا می‌کند. تجربه کشورهایی مانند فنلاند، کره جنوبی و سنگاپور نشان می‌دهد که نظام‌های آموزشی هدفمند و متناسب با نیازهای اقتصادی می‌توانند مسیر توسعه پایدار را هموار کنند. از تأکید بر عدالت آموزشی و پرورش مهارت‌های خلاقانه در فنلاند تا آموزش‌های فنی و حرفه‌ای مبتنی بر نیازهای صنایع در آلمان، همه این نمونه‌ها گواهی بر قدرت آموزش در ایجاد تغییرات بنیادین در ساختارهای اقتصادی هستند. بنابراین، سرمایه‌گذاری در آموزش، نه تنها راهی برای توانمندسازی فردی و اجتماعی، بلکه مسیری مطمئن برای حرکت به سوی رشد اقتصادی پایدار و رقابت‌پذیری در سطح جهانی است.

حذف آزمون‌های رقابتی سراسری و تمرکز بر یادگیری عمیق، باعث شده است که دانش‌آموزان فنلاندی نه تنها در آزمون‌های بین‌المللی مانند PISA پیشرو باشند، بلکه توانایی‌های خلاقانه و تحلیلی بالایی کسب کنند. این رویکرد، اقتصاد فنلاند را به یک اقتصاد دانش‌بنیان تبدیل کرده است. صنایع فناوریانه و طراحی صنعتی در این کشور، از نیروی کاری بهره می‌برند که توانایی حل مسئله، خلاقیت و نوآوری در آن‌ها به‌شدت تقویت شده است.

کره جنوبی: آموزش به‌عنوان ابزار صنعتی شدن سریع

کره جنوبی یکی از نمونه‌های برجسته در استفاده از آموزش برای توسعه اقتصادی است. در دهه ۱۹۶۰، این کشور که عمدتاً به کشاورزی وابسته بود، تصمیم گرفت تا از طریق سرمایه‌گذاری گسترده در آموزش، مسیر صنعتی‌شدن را در پیش بگیرد. دولت کره جنوبی با تقویت مدارس ابتدایی و متوسطه، زیرساخت‌های اولیه سواد و آموزش پایه را ایجاد کرد. به موازات این امر، مدارس فنی و حرفه‌ای توسعه یافتند تا نیروی کاری متناسب با نیازهای صنایع جدید، از جمله صنایع الکترونیک و خودروسازی، تربیت شود. این سیاست‌ها نه تنها نرخ سواد را به سرعت افزایش داد، بلکه کره جنوبی را به یکی از اقتصادهای پیشرو جهان تبدیل کرد. شرکت‌هایی مانند سامسونگ و هیوندای، به‌عنوان نمادهای موفقیت اقتصادی این کشور، از نیروی کار ماهری بهره می‌برند که در نظام آموزشی دقیق و هدفمند این کشور پرورش یافته‌اند. کره جنوبی نشان داد که چگونه آموزش می‌تواند پلی میان گذشته کشاورزی محور و آینده صنعتی و مدرن ایجاد کند.

سنگاپور: آموزش برای رقابت‌پذیری جهانی
سنگاپور، کشوری کوچک اما با اقتصادی بزرگ و پویا، از ابتدا آموزش را به‌عنوان

افزایش دهند. بهره‌وری بالاتر به معنای تولید بیشتر کالا و خدمات با استفاده از همان مقدار منابع است که منجر به افزایش تولید ناخالص داخلی (GDP) می‌شود.

• افزایش نوآوری و کارآفرینی: آموزش، به ویژه در سطوح عالی، افراد را برای ایجاد و به کارگیری ایده‌های نوآورانه آماده می‌کند. این افراد در صنایع مختلف، شرکت‌های استارت‌آپی و فعالیت‌های کارآفرینانه شرکت می‌کنند و با ایجاد فناوری‌های جدید و راه‌حل‌های نوآورانه، رقابت‌پذیری اقتصاد کشور را افزایش می‌دهند.

• کاهش نابرابری و فقر: آموزش به افراد کمک می‌کند تا به مشاغل بهتر و با درآمد بالاتر دسترسی پیدا کنند. در نتیجه، آموزش می‌تواند شکاف درآمدی بین طبقات مختلف را کاهش دهد. همچنین، تحصیلات ابتدایی و متوسطه به‌ویژه برای کاهش فقر در جوامع کم‌درآمد مؤثر است.

• بهبود سلامت و کیفیت زندگی: آموزش افراد را با اصول بهداشتی، تغذیه و پیشگیری از بیماری‌ها آشنا می‌کند. افراد تحصیل‌کرده نه تنها برای خانواده خود تصمیمات بهتری می‌گیرند، بلکه تأثیرات مثبتی بر سلامت جامعه نیز دارند. از سوی دیگر، سالم‌تر بودن نیروی کار منجر به بهره‌وری بالاتر و کاهش هزینه‌های درمانی می‌شود.

نمونه‌های موفق از تأثیر آموزش بر توسعه اقتصادی؛ از تجربه‌های جهانی تا توسعه اقتصادی پایدار

آموزش، همواره نیروی محرکه‌ای برای تحول و توسعه اقتصادی جوامع بوده است. در کشورهایی که امروز به نمادهای پیشرفت و شکوفایی اقتصادی تبدیل شده‌اند، آموزش نقشی بنیادین ایفا کرده است. از عدالت آموزشی در فنلاند گرفته تا رویکرد صنعتی کره جنوبی، هر کشور با استفاده از سیاست‌های آموزشی متناسب با نیازهای خود، پایه‌های توسعه پایدار را بنا نهاده است. در ادامه، نمونه‌های موفق جهانی از تأثیر آموزش بر توسعه اقتصادی بررسی می‌شوند.

فنلاند: کیفیت و عدالت آموزشی

فنلاند به‌عنوان یکی از موفق‌ترین نظام‌های آموزشی جهان، راهی متفاوت را در توسعه اقتصادی برگزیده است. این کشور بر آموزش باکیفیت و عدالت اجتماعی تأکید کرده و تلاش کرده است تا دسترسی برابر به آموزش برای تمام دانش‌آموزان فراهم باشد. معلمان در این کشور از جمله نیروهای متخصص جامعه هستند و برای ورود به این حرفه باید آموزش‌های سطح بالایی را پشت سر بگذارند. از سوی دیگر،

اخلاق حرفه‌ای معلمي؛ الگویی از آموزه‌های قرآنی و سیره نبوی

**علی موسی‌زاده**

دانشجوی کارشناسی رشته آموزش ابتدایی



هنگامی که معلمی
با صداقت و عدالت

رفتار می‌کند، با
ملایمت و مهربانی
رفتار می‌کند؛ نه
تنها دانایی می
آموزد، بلکه دل
ها را به سوی
حقیقت و نیکی
هدایت می‌کند.
در آموزه‌های
دینی ما معلم،
جایگاهی رفیع
دارد. معلمان،

ادامه‌دهندگان
این رسالت در
جوامع بشری
هستند. معلمی که
به اخلاق حرفه‌ای
پایبند باشد، با عدالت،
فروتنی و صبر، روحیه
عدالت‌خواهی، احترام به
دیگران و استقامت در برابر
مشکلات را در شاگردان خود پرورش
می‌دهد و آن‌ها را به انسان‌هایی
توانمند، متعهد و اخلاق‌مدار
تبدیل می‌نماید.

اهمیت اخلاق حرفه
ای در معلمی، تنها
محدود به کلاس
درس نیست؛
نیروی است که
جامعه را به سمت
ارزش‌های انسانی
سوق می‌دهد و راهی
به سوی تعالی و رشد
پایدار فراهم می‌سازد.
معلمان اخلاق‌مدار،
قهرمانان بی‌ادعای
تغییرات بنیادین در
جوامع هستند.

امروزه بحران اخلاق یکی از مهم‌ترین
بحران‌هایی است که جوامع بشری با آن
مواجه هستند. نظام آموزش و پرورش به
عنوان یکی از ارکان مهم هر کشور،
مسئولیت انتقال فرهنگ و تجربه‌های بشری
به نسل‌های آینده و ایجاد تغییرات مطلوب
در آگاهی آنان را بر عهده دارد. در این میان،
معلمان به‌عنوان اصلی‌ترین عوامل نظام
آموزش و پرورش نقش کلیدی در تربیت و
توسعه اجتماعی دارند؛ چراکه پیشرفت و
توسعه هیچ کشوری از سطح دانش و
توانایی‌های معلمان آن فراتر نمی‌رود.

حرفه معلمی یکی از ارزشمندترین و
ضروری‌ترین مشاغل جامعه است. بخشی از
این حرفه، وجه اخلاقی آن است که تحقق
مسئولیت‌های تربیتی معلم را در گرو
پایبندی به اصول اخلاق حرفه‌ای ممکن می
سازد. بنابراین تدوین و رعایت اصول اخلاقی
در این حرفه ضروری است. در تایید این
موضوع پیامبر اکرم (ص) در این باره فرموده
اند: «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ؛ من
مبعوث شدم تا فضائل اخلاقی را تکمیل کنم». پیامبران الهی نخستین کسانی بودند که
فرایند تربیت و هدایت انسان‌ها را آغاز کردند
و پیامبر اسلام (ص) به‌عنوان بزرگ‌ترین
الگوی تربیتی، نقش برجسته‌ای در این زمینه
داشته است. ائمه اطهار (ع) نیز، تلاش‌های
تربیتی و اخلاقی بی‌نظیری انجام داده‌اند که
آثار آن تا به امروز باقی مانده است.

اهمیت اخلاق حرفه‌ای معلمی

اخلاق حرفه‌ای معلمی، ستون اصلی
فرایند تعلیم و تربیت است. معلمان، فراتر
از نقش انتقال دانش، مسیر اخلاق و رفتار
انسان‌دوستانه را به نسل‌های آینده نشان
می‌دهند. رفتار و منش آنان، تأثیری عمیق
بر روح و ذهن دانش‌آموزان دارد و ارزش
هایی را که شاید از کتاب‌ها نیاموزند، در
آنان نهادینه می‌کند.



«وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا» (احزاب، ۷۰) صداقت معلم، الگویی برای دانش‌آموزان است، معلمان راستگو، محیط آموزشی را از دروغ و فریب دور نگه داشته و فضایی سالم برای رشد اخلاقی و فکری فراهم می‌کنند.

۵. هماهنگی میان گفتار و کردار

یکی از معیارهای تأثیرگذاری معلم، هماهنگی میان سخنان و اعمال اوست. امام صادق(ع) می‌فرماید:

«عالمان حقیقی کسانی هستند که عمل آن‌ها، گفتارشان را تصدیق کند.»

هنگامی‌که معلم در کردار خود، ارزش‌هایی را که آموزش می‌دهد رعایت کند، تأثیر آموزه‌های او بر دانش‌آموزان دوچندان می‌شود.

۶. سعه‌صدر و شکیبایی

تعلیم و تربیت، فرایندی پیچیده است که نیازمند صبر و تحمل بسیار است. معلمان باید در مواجهه با رفتارهای نامناسب یا کاستی‌های دانش‌آموزان، شکبیا باشند و با سعه صدر، آنان را به مسیر درست هدایت کنند.

حضرت علی (ع) می‌فرماید: «کسی که مسئولیت می‌پذیرد، باید سعه صدر داشته باشد.»

سعه‌صدر، معلم را در رویارویی با چالش‌های تربیتی توانمندتر می‌کند و از فرسودگی شغلی جلوگیری می‌کند.

۷. صلاحیت علمی و ارتقای مستمر

صلاحیت علمی، پایه و اساس موفقیت در حرفه معلمی است. معلمان باید همواره به‌روز باشند و با تلاش برای ارتقای دانش و مهارت‌های خود، بهترین خدمات آموزشی را ارائه دهند. قرآن کریم در داستان حضرت موسی و خضر (ع)، بر اهمیت یادگیری حتی برای افراد برگزیده تأکید می‌کند.

اخلاق حرفه‌ای معلمی، عنصر کلیدی موفقیت در فرایند تعلیم و تربیت است که تأثیر عمیقی بر عملکرد معلم و شکل‌دهی شخصیت دانش‌آموزان دارد. معلمان با رعایت اصولی همچون مدارا، عدالت، حسن خلق، صداقت، شکیبایی و صلاحیت علمی، نه تنها به تربیت شاگردانی مسئولیت‌پذیر و اخلاق‌مدار کمک می‌کنند، بلکه الگویی عملی برای زندگی اخلاقی ارائه می‌دهند.

این اصول، محیطی امن و سازنده برای یادگیری ایجاد می‌کند و ارزش‌هایی همچون عدالت، راست‌گویی و تواضع را در دانش‌آموزان نهادینه می‌سازد.

ویژگی‌های اخلاق حرفه‌ای معلمی از منظر قرآن و احادیث

اخلاق حرفه‌ای در معلمی، مجموعه‌ای از اصول رفتاری است که معلمان برای ایفای نقش تربیتی خود باید به آن‌ها پایبند باشند. این اصول، بر مبنای آموزه‌های قرآنی و احادیث، راهنمای رفتار معلمان در محیط آموزشی و الگویی مؤثر برای دانش‌آموزان است. در ادامه، مهم‌ترین ویژگی‌های اخلاق حرفه‌ای معلمی با توضیحی مفصل ارائه می‌شوند:

۱. مدارا و ملایمت در رفتار

مدارا، از جمله ویژگی‌های کلیدی است که معلمان باید در تعامل با دانش‌آموزان به کار گیرند.

پیامبر اکرم (ص) نیز به معلمان توصیه کرد: «نسبت به کسی که به وی علم می‌آموزید و یا از او علم فرامی‌گیرید، نرم و ملایم باشید.»

ایت خصیصه به معلم کمک می‌کند تا با محبت و همدلی، دل‌های شاگردان را به سوی یادگیری جلب کند و از ایجاد تنش یا احساس نارضایتی در کلاس جلوگیری نماید.

۲. عدالت در رفتار و تصمیم‌گیری

عدالت، یکی از اصول بنیادین نظام ارزشی اسلام و از ویژگی‌های حیاتی معلمی است. قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید: «لَيَقُومَنَّ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید، ۲۵)

معلمی که به عدالت پایبند باشد، از ایجاد تبعیض و بی‌عدالتی در کلاس درس جلوگیری می‌کند. رعایت عدالت، اعتماد دانش‌آموزان را به معلم افزایش داده و روحیه مشارکت و تعامل مثبت را در میان آنان تقویت می‌کند.

۳. حسن خلق و فروتنی

اخلاق نیکو و برخورد متواضعانه، از برجسته‌ترین ویژگی‌های یک معلم موفق است. قرآن کریم به پیامبر اسلام (ص) می‌فرماید:

«وَاحْفَظْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ» (شعراء، ۲۱۵)

معلم با فروتنی و برخوردی گرم، می‌تواند ارتباط عمیق‌تری با دانش‌آموزان برقرار کند. حسن خلق معلم، محیط آموزشی را به فضایی دوستانه و الهام‌بخش تبدیل می‌کند که در آن، دانش‌آموزان با اشتیاق بیشتری به یادگیری می‌پردازند.

۴. صداقت در گفتار و رفتار

صداقت، پایه‌گذار اعتماد و احترام متقابل است. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:



معرفی کتاب

علیرضا باغبانی

دانشجوی کارشناسی رشته آموزش ابتدایی



چگونه می‌توان مهارت‌های اجتماعی ضروری را به کودکان آموزش داد؟

احساسات مربوط به اجتناب اجتماعی کدامند؟

معلمان، مربیان و والدین چگونه باید با این احساسات کودکان برخورد کنند؟

رشد احساسی و اجتماعی کودکان بخش مهمی از توسعه و رشد کودکان به حساب می‌آید. کودک با دانستن اینکه خشم خود را چگونه ابراز کند، بعد از شکست یا پیروزی چه رفتاری از خود بروز دهد یا حتی هنگام تمسخر و دست انداختن توسط دیگران چه واکنشی نشان دهد، از وقوع عواقب گاه جبران ناپذیر عدم آشنایی با این مهارت‌ها جلوگیری می‌کند.

احساساتی همچون کم‌رویی، خجالت، شرم، عذاب وجدان یا شخصیت منزوی و... ممکن است در رفتار کودکان شبیه به یکدیگر نمایان شود. به همین دلیل توانایی شناخت و تمایز این تعاریف و نحوه اصلاح و برخورد با کودکان دارای ویژگی‌های ذکر شده توسط والدین یا مربیان و معلمان ضروری به شمار می‌آید.

مهارت‌های اجتماعی جزء جدایی ناپذیر مسائل آموزشی مورد نیاز کودکان و نوجوانان به شمار می‌رود. همچنین مسائلی مانند کم‌رویی، خجالت، انزوا و اضطراب اجتماعی و... با توجه به شباهت نسبی در نام و مفهوم از مسائل بحث برانگیز محسوب می‌شود، تا جایی که بعضی از این موضوعات در برخی جوامع یا خانواده‌ها نه تنها اختلال محسوب نمی‌شود بلکه یک ارزش تلقی می‌گردد.

دکتر سید اصغر ساداتیان در کتاب مهارت‌های زندگی (برای کودکان) مطالبی ارزنده حول محور مهارت‌های اجتماعی ضروری و تشریح برخی احساسات مانند کم‌رویی، شرم، هراس اجتماعی و افتخار، ارائه می‌دهد و تفاوت آنها را بیان می‌کند. هدف اصلی این کتاب آموزش این احساسات و مهارت‌ها و آماده کردن مخاطب برای برخورد مناسب با کودکان است.

برخی موضوعات و مسائل اشاره شده در کتاب از این قرار است:

ماهیت احساسات و عواطف: ضمیر ناخودآگاه، جایگاه و مراکز عواطف، تظاهرات و شکل‌گیری احساسات، خاصیت و کارکرد احساسات و عواطف

الگوهای رفتاری و احساسات اجتناب اجتماعی: احساس خجالت، کم‌رویی، انزوا، شرم، هراس اجتماعی، اضطراب و...، تعریف و بیان تفاوت بین این



کتاب مهارت‌های زندگی (برای کودکان) نوشته دکتر سید اصغر ساداتیان یک راهنمای کاربردی برای کسانی است که به دنبال تربیت نسل آینده توانمند و با شخصیت پایدار هستند. نویسنده سعی دارد در این کتاب، مخاطبان (والدین، معلمان و مربیان) را با طیف خاصی از احساسات و مهارت‌ها آشنا کرده، نحوه دخالت صحیح و به موقع را به آنها بیاموزد. این کتاب همچنین دارای مثال‌هایی برای ارتباط مطالب با موقعیت‌های واقعی است. با توجه به اهمیت بالای مهارت‌های اجتماعی در زندگی کودکان و تاثیر غیرقابل انکار این مهارت‌ها برای پرورش آینده‌سازان فردا، کتاب مهارت‌های زندگی (برای کودکان) می‌تواند تأثیر قابل تأملی بر آگاهی مربیان داشته باشد.



الگوها، باورهای غلط در این حوزه، عوامل بوجود آورنده برخی از این الگوها، انواع طبع و مزاج کودکان، انواع و دلایل گوشه‌گیری کودکان نحوه برخورد با کودکان: نحوه برخورد با کم‌رویی، خجالت، گوشه‌گیری و اضطراب اجتماعی کودکان در سنین مختلف، اجتناب از اشتباهات تربیتی در این حوزه، ویژگی‌های تکاملی کودکان در سنین مختلف آموزش مهارت‌های اجتماعی: کمک به کودک در برقراری ارتباط و دوستی، آموزش نحوه برخورد با مسائل و مشکلات، آموزش اداره خشم، آموزش خویشتن‌داری، آموزش برخورد و کنار آمدن با طردشدگی و آموزش ابزار وجود و جرأت و جسارت مسائل مربوط به مدرسه: تغییرات تکاملی و مدرسه و نقش و جایگاه معلمین و والدین، اولین روزهای مدرسه و آماده‌سازی کودک برای مدرسه، اضطراب و هراس از مدرسه و اضطراب جدایی

نقل قول از کتاب

«در طول تاریخ بشریت، جامعه بزرگسال (پدرها و مادرها و جامعه) برای کنترل رفتار انسان‌ها و جلوگیری از انحرافات، تخلف، جنایت و نیز تحریک و تشویق افراد برای عمل خوب دست به اقدامات مختلفی زده است که از همه مهم‌تر بکارگیری مجازات و تشویق و ایجاد احساس منفی شرمساری و عذاب وجدان و احساس مثبت سرافرازی و افتخار بوده است.

اما متأسفانه گاه بزرگسالان به دلیل ندانم کاری و ناآگاهی باعث به وجود آمدن احساس خجالت (مسموم) در افراد می‌شوند؛ بدین معنی که به جای این که عمل فرد (کودک) زیر سوال برده شود همزمان عامل را نیز زیر سوال می‌برند و بدین ترتیب به جای این که در فرد احساس شرمساری و عذاب وجدان (و در مواردی احساس گناه) به وجود آورند (که در همه آنها هم چنان فرد یک انسان ارزشمند و دوست داشتنی است که مرتکب اشتباه و خطایی شده است)، احساس خجالت (مسموم) ایجاد می‌کنند (چون کار بدی کردی پس آدم بدی هستی).

نقاط مثبت کتاب:

تکیه نکردن صرف بر نظریات
ارائه راهکارهای عملی و کاربردی
پوشش مطالب مهم و ضروری
زبان ساده و روان
دسته‌بندی مناسب مطالب
مناسب معلمان، مربیان و والدین

معلم خلاق:

آفریننده دنیایی از ایده‌ها

امیرحسین دودی

دانشجوی کارشناسی رشته آموزش ابتدایی



معلم خلاق کسی است که روش‌های سنتی را به چالش می‌کشد و با ایجاد فضایی پرنشاط و متنوع، یادگیری را به تجربه‌ای دلنشین تبدیل می‌کند. او می‌داند که هر دانش‌آموز، دنیایی منحصر به فرد از استعدادها و نیازهاست و با شناخت این تفاوت‌ها، به هر دانش‌آموز فرصتی برای درخشیدن می‌دهد. چنین معلمی، نه تنها مفاهیم درسی را به شیوه‌ای جذاب آموزش می‌دهد، بلکه ارزش تفکر مستقل و خلاقیت را نیز به دانش‌آموزان می‌آموزد. در این مقاله، تلاش می‌کنیم تا تصویری روشن از ویژگی‌ها و تأثیرات معلم خلاق ارائه دهیم و نشان دهیم چگونه چنین معلمانی می‌توانند نسل‌هایی نوآور و توانمند پرورش دهند.

معلم خلاق کیست؟

خلاقیت در تدریس، به معنای شکستن قالب‌های رایج و ایجاد راه‌های تازه برای یادگیری است. معلم خلاق کسی است که کلاس درس را به آزمایشگاهی از ایده‌ها تبدیل می‌کند. او نه تنها به ارائه مطالب درسی می‌پردازد، بلکه دانش‌آموزان را به جست‌وجوی پاسخ‌ها و کشف راه‌حل‌های تازه تشویق می‌کند. برای یک معلم خلاق، تدریس تنها یک وظیفه نیست؛ بلکه فرصتی است برای الهام‌بخشی. او با ایجاد فضای مشارکتی، دانش‌آموزان را در فرایند یادگیری شریک می‌کند. به جای آن‌که تنها نقش یک گوینده را داشته باشد، به شنونده و تسهیل‌گری تبدیل می‌شود که فرصت بیان عقاید را برای دانش‌آموزان فراهم می‌کند.

تأثیر معلم خلاق بر دانش‌آموزان

تأثیر یک معلم خلاق، فراتر از یادگیری مفاهیم درسی است. او مهارت‌هایی را در دانش‌آموزان پرورش می‌دهد که در تمام زندگی برایشان سودمند خواهد بود. یکی از مهم‌ترین این مهارت‌ها، تفکر انتقادی است. معلم خلاق به جای ارائه پاسخ‌های آماده، سؤالاتی می‌پرسد که ذهن دانش‌آموزان را به چالش می‌کشد. او دانش‌آموزان را تشویق می‌کند که با روش‌های گوناگون به مسائل نگاه کنند و راه‌حل‌های مختلفی ارائه دهند. این شیوه، نه تنها خلاقیت آن‌ها را تقویت می‌کند، بلکه آن‌ها را برای حل مسائل واقعی زندگی نیز آماده می‌سازد.

علاوه بر این، معلم خلاق فضایی را ایجاد می‌کند که در آن دانش‌آموزان احساس امنیت و ارزشمندی کنند. او اشتباهات را فرصتی برای یادگیری می‌داند و دانش‌آموزان را ترغیب می‌کند که از اشتباهات



ایمن، خطا کنند و از اشتباهات خود بیاموزند. این رویکرد به آن‌ها کمک می‌کند تا تفکر نقادانه و حل مسئله را به‌عنوان مهارت‌های زندگی بیاموزند.

• **اشتیاق به یادگیری و رشد مستمر:** یک معلم خلاق، خود نیز به یادگیری علاقه‌مند است. او با مطالعه و به‌روز نگه‌داشتن دانش خود، به دنبال روش‌های جدید برای بهبود کیفیت تدریس است.

معلم خلاق، فراتر از یک آموزگار است. او الهام‌بخشی است که ذهن‌ها را روشن می‌کند و به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا توانایی‌های واقعی خود را کشف کنند. چنین معلمی، نه تنها یادگیری را به تجربه‌ای لذت بخش تبدیل می‌کند، بلکه مهارت‌هایی را در دانش‌آموزان پرورش می‌دهد که برای تمام زندگی‌شان سودمند خواهد بود. در دنیای امروز که تغییرات با سرعتی شگفت‌انگیز رخ می‌دهد، نیاز به معلمان خلاق بیش از هر زمان دیگری احساس می‌شود. بیایید با حمایت از این معلمان و ایجاد بستری مناسب برای نوآوری، آینده‌ای روشن‌تر برای نظام آموزشی و نسل‌های آینده بسازیم.

• **صبر و شکیبایی:** فرآیند تربیت، نیازمند زمان و تلاش مداوم است. معلم خلاق با آگاهی از این نکته، صبر و شکیبایی را در مواجهه با مشکلات آموزشی و پرورشی در اولویت قرار می‌دهد. او می‌داند که موفقیت در تربیت، حاصل استمرار و پشتکار است.

• **احترام به تفاوت‌های فردی:** هر دانش آموز دارای شخصیت، علایق و استعداد‌های منحصر به فرد است. معلم خلاق این تفاوت‌ها را می‌شناسد و تلاش می‌کند با ارائه شیوه‌های آموزشی متنوع، به نیازهای هر دانش‌آموز پاسخ دهد. او باور دارد که این رویکرد، باعث شکوفایی استعداد‌های نهفته در دانش‌آموزان می‌شود.

• **تشویق تجربه و خطا:** معلم خلاق به دانش‌آموزان اجازه می‌دهد که در محیطی

خود نترسند. این رویکرد، اعتماد به نفس دانش‌آموزان را افزایش می‌دهد و به آن‌ها کمک می‌کند تا با جرأت بیشتری در مسیر یادگیری پیش بروند.

ویژگی‌های معلم خلاق

یک معلم خلاق، فراتر از چارچوب‌های معمول آموزشی عمل می‌کند. این معلم از طریق ایده‌های نوآورانه و روش‌های جذاب، نه تنها انتقال‌دهنده دانش است، بلکه راهنمایی برای رشد همه‌جانبه دانش‌آموزان به شمار می‌رود. در ادامه به برخی از مهم‌ترین ویژگی‌های معلمان خلاق می‌پردازیم:

• **انتقادپذیری و انعطاف‌پذیری:** معلم خلاق، نظرات و بازخوردهای دانش‌آموزان، همکاران و حتی والدین را با آغوش باز می‌پذیرد. او انتقادها را فرصتی برای اصلاح روش‌ها و بهبود عملکرد خود می‌بیند. انعطاف‌پذیری در مواجهه با چالش‌ها و تغییرات، او را قادر می‌سازد که خود را با نیازهای متغیر دانش‌آموزان و محیط آموزشی تطبیق دهد.





گاهنامه علمی - فرهنگی آفاق/ پردیس دکتر شریعتی ساری/ سال اول، شماره اول، اسفند ۱۴۰۳



کانال ایتای نشریه آفاق
afaghmag